**

*اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم*

خارج فقه ج 38 - احکام تخلی – 6/9/1400

*موضوع:* كتاب الطهارة/الاستنجاء /مساله 2و3و4

مساله دوم : درباره رطوبتی که بعد از مسح به سنگ در مخرج غائط باقی می ماند ، فقها فرمودند که این روطبت باید شسته شود و با سنگ و ... پاک نمی شود دلیل بر این فتوا دو چیز است

دلیل اول: اجماع است. فقها از بین بردن رطوبتی که بعد از مسح به احجار باقی می ماند را اتفاق بر وجوب کرده اند مرحوم شیخ انصاری ره مدعی این اجماع است در کتاب طهارت

دلیل دوم : اطلاق ادله طهوریت آب است که از اطلاق آن به دست می آید که هر چه که متنجس شد بدون آب پاک نمی‌شود

چه فرقی است بین اجزای صغار و رطوبت که فقها از بین بردن اجزای صغار را بعد از کشیدن به سنگ را واجب ندانستند اما برای رطوبت واجب دانسته اند ؟

فقها فرمودند که در باب اجزای ریز غائط قرینه داریم که ازاله آن لازم نیست اما اینجا قرینه بر ازاله داریم و قرینه ما اطلاق ادله زوال رطوبت نجاست است

مساله سوم : سنگ یا هر چیزی که برای استنجاء به کار می رود نباید مرطوب باشد لذا کشیدن گِل یا کهنه مرطوب مجزی نیست اما اگر مختصر نَمی ، داشته باشد مانعی ندارد

به چه دلیل استنجاء به مرطوب مجزی نیست ؟ چون نجاست اجنبیه خارجیه غیر از غائط به خودش را می گیرد و بعد، محل غائط آلوده به نجاست خارجیه می شود؛ مثل مبطلات روزه که اگر انگشت در داخل دهان باشد و بیرون آورده شود اینجا رطوبت خارجیه می شود و بعد با فرو بردن در دهان باعث مبطل روزه می شود

اما درباره نم اشکالی نیست چون مسری نیست و ما دلیلی نداریم که مُستنجیٰ به باید خشک باشد

مساله چهارم : اگر به همراه غائط نجاست دیگری مثل خون بیرون آمد و یا از خارج به مخرج نجاستی رسید در این دو صورت باید با آب بشوید ، اما اگر شک کند که آیا نجاست خارجی غیر از غائط به مخرج رسیده یا نه در اینجا بین استنجاء کردن با سنگ یا با آب مخیر است.

درباره علت تعین با آب همان اطلاق ادله مطهریت متنجس است؛ علاوه بر آن روایاتی که استنجاء به احجار و غیر احجار را مطهر می دانند مطلق نیستند بلکه مقیدند و فقط شامل مخرج غائط می شود و شامل نجاست های دیگر نمی‌شود چون نجاست های دیگر زائد بر نجاست اولیه می‌باشد مثل اینکه لباس متنجس به خون شد و با یک بار شستن پاک می شود اما اگر بولی شود باید دوبار شسته شود چون نجاست زائدی عارض شده و اطلاق ادله تعدد شستن در بول شامل آن می شود یا مثل ظرف متنجسی به بول که سگ آن را لیس زده اینجا اول باید خاک مالی شود پس قاعده انقلاب و تبدل در متنجس جاری است یعنی انقلاب یک شستن به دو شستن و در اینجا انقلاب مسح احجار به شستن با آب هست

اما اگر کسی شک کند که نجاست دیگری رسیده یا نه، مرجع، استصحاب عدم نجاست است اینجا مخیر بین شستن یا با آب یا با سنگ استنجاء کند چون هر کسی از اول مخیر است بین این دو مورد ، و آلوده بودن مخرج به غائط بالوجدان ثابت است و عدم نجاست زائد هم با استصحاب ثابت شد و این وجدان را با اصل ضمیمه می شود و مخیر می باشد

إن قلت : برخی می گویند در اینجا استصحاب نجاست محل جاری است چون شک در ارتفاع نجاست با کشیدن سه سنگ است که اگر نجاست مستند به غائط باشد قطعا پاک شده و اگر مستند به غیر غائط مثل خون باشد قطعا باقی است و شک هست که برطرف شده یا نه اصل استصحاب عدم ارتفاع و بقای نجاست می باشد

قلت : به مقتضای اطلاق ادله استنجاء به احجار نجاستی که از طرف غائط حاصل شده بود از بین رفت و نجاستی که از سوی غیر غائط شک داریم شک در حدوث است نه شک در ارتفاع و استصحاب فوق جاری نمی شود بله استصحاب کلی قسم ثالث جاری است ولی در اصول ثابت کردیم که اجماع بر عدم حجیت استصحاب کلی قسم ثالث است